

کشورهای خلیج ناظرند...

بیاد داریم که قدرت رسیدن کرشنگر بهر سویا لیت که آمادگی وحدت با کمر بستگی را داشت (و علاوه شکوک به طرفدار شدیدی از اسرائیل نیز بود) موجب فرار سرمایه ها از عرب گردید. دولت جدید فهمید که با حمایت از عراق در جنگ به عربی اطمینان میدهد این تعهد عربی بی شک تنها راه برای قابل تحقق کردن نزدیکی با اسرائیل از جانب کشورهای منطقه که خطرات فراوانی برای آن بود می گردید. مابقی کار را از راه سیاسی تقویت عراق این تنها فنل در مقابل جوش اسلامی که همه منطقه را در خطر عدم ثبات می گذاشت انجام می داد.

مخبر فرانسوی

امروز هواداران سیاست عراقی که گز دست دادن همه سرمایه گذاران عرب فرانسه در این کشور را می بینیم بدین مناسبت می گویند: "بیخ سال جنگ در عراق را تبدیل به نیردری مجنون و ترس دیده ها انبرده است که بعد از جنگ اولین ارتش عرب خواهد شد. سوریه که در حال ضعف است عراق... پیران و پیمان جنگ بهترین کشور منطقه خواهد شد. توجهات سیاسی نیز کمر اهیت تر نیستند چرا که کشورهای خلیج در فکر اعتراف به بریتانیا و ایالات آمریکا و برابط اقتصادی بیشترشان با ایران نیستند اما محافظین سنت و سخت ترین وفاداران فرانسه در این باب هستند. این امر را فرانسه آستان، لوران نیاموس در دوران دوسا هنگام سفر اخیرش فرانسوا فراده و لیعهد عربستان سعودی با بر سر کشیدند. فراده عبدالله، تا آنکه مورد که فرانسه همچنان به "حمایت محکم" از عراق ادامه دهد در مخفی بماند. "چه به لحاظ سیاسی و چه نظامی". حتی به خاطر این که توجیه نمود از سعودی در رهبر مجاهدین ایرانی حمایت نمایند.

همه اینها روشن می سازد که چرا پاریس همچنان "اداره سیاست عراقی را اصلترین برگ برنده و دستبند می داند".

اما این امر باعث نگرانی است که بعضی مسئولین فرانسه بگویند که وقت "تغییر بیان" است و از عراق بلای با طلاق که در سخن گفت تا راه بزرگترین مینیمم رابطه با ایران "این کشور بزرگ" فراهم آورد. من الواقع می دانم که شده جنگ در تهران به مرحله ننگ رسیده است و تبدیل به موضوع سیاسی شده است. تاکنون مذاکرات دقیق و بی نشان را به ادامه جنگ وابسته کرده بودند. آیا بعضی از آنها جرئت خواهد کرد چنین